

دکتر کوین ای. فردریک، والدنسیان، سخنرانی ۳

یک شاهد تحول آفرین، نقش موعظه . © ۲۰۲۴ کوین فردریک و تد هیلدبرانت

این دکتر کوین فردریک است که در حال تدریس در مورد تاریخ والدنسیان است. این جلسه ۳، یک شاهد تحول آفرین، نقش موعظه است. عنوان

خطبه، یک شاهد تحول آفرین است و ما با متی ۲۸ شروع می‌کنیم، از آیه ۱۶ شروع می‌کنیم و تا آیه بیستم پیش می‌رویم.

در طول اعصار، مسیحیان اهمیت محوری مژده انجیل را در این فرمان از عیسی، که در پایان خدمت زمینی او داده شد، تشخیص داده‌اند. در متی ۲۸، که ما آن را مأموریت بزرگ می‌نامیم، آمده است: پس بروید و همه ملت‌ها را شاگرد سازید. هیچ گروه مسیحی به اندازه پیروان مردی به نام والدز، والدو، اهل شهر لیون فرانسه در قرن دوازدهم، این فرمان را به دل نبستند.

در این خطبه، بررسی خواهیم کرد که والدز چگونه مأموریت بزرگ را در زندگی خود تفسیر و به کار برد و چگونه شهادت این مرد، جنبشی مسیحی را آغاز کرد که از قرن دوازدهم آغاز شد و تا به امروز ادامه دارد. همانطور که این داستان را می‌شنوید، از شما دعوت می‌کنم که برای این شهادت ایمان شکرگزاری کنید و از خود پرسید، امروز چه کاری می‌توانیم انجام دهیم تا کلام و شهادت انجیل را در زندگی خود جدی‌تر بگیریم؟ آنچه که در نهایت به عنوان جنبش والدزیان یا تبار والدزیان شناخته شد، نسبتاً بی‌گناه آغاز شد، زمانی که مردی ثروتمند به نام والدز در سال ۱۱۷۲ توسط کتاب مقدس محکوم شد که از ثروت خود دست بکشد و دعوت به اعلام کلام خدا به زبان رایج مردم عادی را بپذیرد. والدز یک رهبر تجاری در لیون فرانسه و یک رهبر غیر روحانی کلیسای کاتولیک روم بود.

والدو که میل به یادگیری بیشتر درباره خدا از طریق مطالعه کتاب مقدس به زبان خودش را در خود احساس می‌کرد، به دو مقام کلیسا پول داد تا بخش‌های کاملی از عهد جدید را برایش ترجمه کنند. پس از مطالعه و دعا، او با توجه به متی ۱۹:۱۶ تا ۲۱ و متی ۲۸، ۱۸ تا ۲۰، احساس کرد که باید دارایی‌هایش را بفروشد و موعظه انجیل را برای همسایگانش در لیون آغاز کند. در اواخر قرن دوازدهم در سراسر اروپای غربی، تمایل فزاینده‌ای در میان عوام برای یادگیری معنای عمیق‌تر ایمان مسیحی وجود داشت.

مردم برای راهنمایی و آموزش به کلیسا روی می‌آوردند، اما آموزش ایمان آن چیزی نبود که کلیسای کاتولیک روم رسالت اصلی خود می‌دانست. در واقع، سلسله مراتب کلیسا و تمایل آن به کنترل دانش، به طور فعال در جهت مقابله با این نیاز مشخص عوام عمل می‌کرد. در کلیسای اوایل قرون وسطی، فقط اسقف‌ها، اسقف‌های اعظم و پاپ کلام خدا را موعظه می‌کردند.

بنابراین، برای هر مسیحی شنیدن موعظه‌ای که در کلیسای خودش موعظه می‌شد، واقعاً یک اتفاق نادر بود. در آن روزها، برای اکثر مسیحیان این یک تجربه رایج بود که حتی یک موعظه هم نشنیده باشند یا شاید فقط یک موعظه در طول زندگی خود شنیده باشند. اما حتی وقتی اسقف موعظه می‌کرد، موعظه به زبان لاتین ایراد می‌شد.

تنها ۱٪ از فرهیختگان جامعه مسیحی می‌توانستند پیامی را که در خطبه بیان می‌شد، درک کنند. ابهام معنای کلام خدا به سلسله مراتب کلیسا کمک کرد تا وضع موجود را که در پنهان‌کاری خودشان پنهان شده بود حفظ کنند. رهبران کلیسا معتقد بودند که بخش عمده کلام خدا قرار است فقط توسط محدود رهبران و دانشمندان ممتاز کلیسا که دانش گسترده‌ای از لاتین داشتند، قابل درک باشد.

نادر بودن موعظه، همراه با عدم درک زبان لاتین توسط عوام، به این معنی بود که معنای کلام خدا در زندگی افراد، نقش کم یا هیچ نقش مرتبطی در زندگی مردم عادی نداشت. نقش اصلی کشیش بخش در کلیسای کاتولیک رومی قرن دوازدهم به اجرای هفت آیین مقدس محدود می‌شد. آیین‌های مقدس رسمی کلیسای آن روز شامل سه آیین مقدس شبانی بود: یکی توبه، مسح بیماران و آخرین مراسم، دو آیین مقدس خدمت مقدس، که شامل مراتب مقدس، یعنی انتصاب به مقام کشیشی، و آیین مقدس ازدواج که در اوایل قرن دوازدهم اضافه شد، و دو آیین مقدس اساسی کتاب مقدس، یعنی غسل تعمید و عشای ربانی، شام خداوند.

در زمان والدو، هر عضو کلیسا که هر یکشنبه در مراسم عبادت شرکت می‌کرد، از کشیش برگزارکننده، آیین عشای ربانی را فقط به شکل نان دریافت می‌کرد، در حالی که شراب برای روحانیون و سایر مقامات کلیسا محفوظ بود. مراسم عشای ربانی پیرامون عشای ربانی به زبان لاتین برگزار می‌شد، بنابراین مردم هیچ ایده‌ای نداشتند که کشیش چه می‌گوید و فقط تصور مبهمی داشتند که در مراسم عشای ربانی، نان و شراب به طرز رموزی به بدن فیزیکی و خون عیسی تبدیل می‌شوند. عدم درک آنچه در سفره خداوند گفته می‌شد، منجر به ایجاد یک عبارت رایج شد که در طول اعصار توسط جادوگران و کودکان استفاده می‌شد و امروزه هنوز به Hocus شناخته می‌شود و از عبارت لاتین Hocus Pocus Dominocus عنوان یک ورد جادویی به نام Corpus Maum Domini گرفته شده است.

این یک ترجمه لاتین است که به نقل از عیسی از انجیل لوقا که در مراسم عشای ربانی کاتولیک رومی استفاده می‌شود، ترجمه می‌شود، که به معنی «این بدن من است» است، دومینی به معنی پروردگار. به دلیل اعتقاد کلیسا مبنی بر اینکه بیشتر دانش در مورد ایمان مسیحی باید به صورت محرمانه توسط خادمان آموزش دیده الهیاتی کلیسا نگهداری شود، هیچ تلاش واقعی از سوی رهبران کلیسا برای آموزش عوام در مورد معنای برگزاری عشای ربانی صورت نگرفت. قبل از سال ۱۱۸۴، مسئله والدس برای سلسله مراتب کلیسای کاتولیک یک مسئله روحانی بود، تضاد بین یک ندای درونی بسیار قوی برای فقر تبلیغی و حقوق قانونی آیینی کلیسای نهادی.

از والدس و پیروانش انتظار می‌رفت که تعصب خود را تسلیم صلاحیت سلسله مراتب کنند، سلسله مراتبی که نه آرزوی پرشور آنها برای فقر رسولی و نه حس رسالت دوباره متولد شده‌شان را داشت. خدمت دوگانه والدس، یعنی پذیرفتن نذر فقر و اعلام انجیل به عموم مردم به زبان بومی، در میان مردم شهر لیون بسیار مورد توجه قرار گرفت و به زودی، تعداد فزاینده‌ای از مردم شهر شروع به تجمع در موعظه‌های او کردند. در جامعه‌ای از واعظان، Societas Valdesiana طول چند سال بعد، او گروهی از مردان و زنان پیرو، به نام دوره گرد فقیر را که از والدو پیروی می‌کردند و کتب مقدس را در سراسر شهر لیون تبلیغ می‌کردند، گرد هم آورد.

موعظه‌های والدو همچنین خشم شدید سلسله مراتب کاتولیک رومی را برانگیخت. به دلیل مخالفت شدید اسقف لیون با موعظه‌های والدو و پیروانش، والدو در سال ۱۱۷۹ از پاپ الکساندر سوم درخواست اجازه موعظه کرد. پاپ چنان تحت تأثیر صداقت و حس دعوت والدو قرار گرفت که والدو را برکت داد و بوسید.

با این حال، والدو و پیروانش از سوی پاپ دستور داشتند که فقط با دعوت صریح اسقف‌ها موعظه کنند. این مجوز صادر نشد. اسقف لیون سرسخت بود و به پیروان والدو اجازه موعظه نمی‌داد.

والدو و پیروانش در بررسی انجیل‌ها و نقشی که زنان در زندگی عیسی ایفا کردند، تشخیص دادند که عیسی مریم مجدلیه را فراخواند تا برود و خبر رستاخیز را به شاگردان مرد شهادت دهد. آنها همچنین به نمونه‌های دیگری از زنانی که در انجیل‌ها و نامه‌های پولس بشارت می‌دادند، اشاره کردند. آشکارترین چالشی که والدوسیان علیه قانون کلیسا آغاز کردند، موعظه خواهران والدوسیان بود.

حتی اگر تعداد واعظان زن بسیار کمتر از برادران بود، برابری جنسی در اولین جامعه والدوسیای چیزی بیش از یک اصل به خودی خود بود. این بخشی از نظام ارزشی اساسی آنها بود. همه در مأموریتی که به آنها واگذار شده بود، برابر بودند.

با توجه به این تخلفات علیه کلیسای مادر، والدو و پیروانش در سال ۱۱۸۴ توسط پاپ لوسیوس که به تازگی منصوب شده بود، از کلیسا طرد شدند. والدوسی‌ها دقیقاً به این دلیل که والدو و پیروانش خود از کلیسای کاتولیک روم جدا نشده بودند، بحران عمیقی در هدف و جهت‌گیری در کلیسا ایجاد کردند. پیروان والدو، که در این مرحله به عنوان فقرای لیون شناخته می‌شدند، همچنان به سیستم اعتقادی کاتولیک روم وفادار ماندند.

آنها به اصول اساسی ایمان، تثلیث مقدس و مرجعیت کلام خدا پایبند بودند. آنها به طبیعت کاملاً انسانی و کاملاً الهی عیسی مسیح اعتقاد داشتند و از اعتقادنامه رسولان باستانی در عبادت خود استفاده می‌کردند. فقرای لیون اعتقاد به هفت راز مقدس یا عبادت قدیسان را زیر سوال نمی‌بردند.

دو تمایزی که والدو سعی داشت کلیسای روم را به عنوان عبارات معتبر خدمت به رسمیت بشناسد، از جمله موعظه به زبان مادری مردم و اصرار بر اینکه هر فرد غیر روحانی، زن و مرد، حق دارد کلام خدا را اعلام کند، در دوران باستان، یهودیت زبان مقدس عبری را به عنوان زبانی که کتاب مقدس عبری به آن نوشته شده بود تأسیس کرد که از طریق آن تمام گفتگوها با خدا و درباره خدا در جامعه ایمانی انجام می‌شد. اسلام نیز همین کار را در جامعه ایمانی خود از طریق استفاده از زبان عربی انجام داد.

با ایجاد زبان‌های بسیار رسمی در متن مقدس یهودیت و اسلام، تقدس ایمان و همه چیزهای مقدس از امور دنیوی روزمره جدا شد. تأثیر استفاده از این زبان‌های مقدس در طول زمان، مردم عادی هر دو دین را از هر نوع رابطه شخصی با خدا و سلسله مراتب جامعه ایمانی بیگانه کرد. عیسی در جهانی زندگی می‌کرد که قرائت عمومی کتاب مقدس فقط به زبان عبری انجام می‌شد، اما عوام اطراف او به زبان رایج آرامی صحبت می‌کردند و عمق معنا و ظرافت متون مقدس را که فقط در دسترس نخبگان تحصیل کرده بود، نشان می‌دادند.

اگرچه عیسی می‌توانست هنگام کار با کتاب مقدس عبری از زبان عبری استفاده کند و به آن صحبت کند، اما هنگام آموزش شاگردانش، آنها را به زبان آرامی آموزش می‌داد و از تمثیل‌های روزمره، خطبه‌های کوتاه و دعا‌های آسان به خاطر سپردن به زبان آرامی، زبان رایج مردم، استفاده می‌کرد. ارتباط عیسی با مردم عادی زمان خود در مورد خدا به زبان بومی، ایمان و رابطه شخصی با خدا را بار دیگر برای هر فرد، صرف نظر از سطح تحصیلات، قابل دسترسی کرد. امروزه طعنه‌آمیز به نظر می‌رسد که کلیسای کاتولیک روم از این مؤلفه اساسی رسالت عیسی مسیح غافل می‌شود.

اما در زمان والدو و پیروانش، کلیسای روم قاطعانه زبان مذهبی رسمی، لاتین، را در تمام ارتباطات با خدا و درباره او برقرار کرده بود. با تثبیت لاتین به عنوان یک زبان مقدس در مسیحیت، که توسط آن کلام خدا منتقل می‌شد و عبادت برقرار می‌شد، سلسله مراتب کلیسای روم بار دیگر موانعی را برای رابطه شخصی با خدا ایجاد کرد که عیسی مدت‌ها پیش آن را در هم شکسته بود. همانند زبان عبری در زمان عیسی، رسمیت لاتین پیام کتاب مقدس را از زبان لانگدوک، که زبان مردم منطقه اطراف لیون بود، جدا می‌کرد و کتاب مقدس را برای همه به جز نخبگان تحصیل کرده غیرقابل دسترس می‌کرد.

در واقع، کلیسای روم هر کسی را که نمی‌توانست به زبان لاتین بخواند و بنویسد، بی‌سواد می‌دانست، چه می‌توانست به زبان بومی بخواند و بنویسد. در نتیجه، به جز تعداد بسیار کمی از واعظان والدنسی که رسماً آموزش دیده بودند، همه توسط کلیسا به عنوان بی‌سواد طرد شدند. والدو با تفسیر کتاب مقدس به زبان بومی

زمان خود، یکی از اصول اساسی در خدمت عیسی مسیح را که همان اعلام مژده خدا به زبان مخاطبان شنونده است، احیا کرد.

بازگشت والدو به انتقال متون مقدس به زبان مردم، هدیه‌ای با پیامدهای عمیق برای مسیحیت قرون وسطایی بود. ایمان، بار دیگر، به چیزی بسیار شخصی‌تر و در عین حال، بسیار اجتماعی تبدیل شد، زیرا می‌توانست با عباراتی قابل فهم برای همه، منتقل و بیان شود. او با تفسیر متون مقدس از زبان مقدس کلیسای روم، لاتین، به زبان رایج پروانسی، در سراسر منطقه آلپ اطراف لیون، جنوب شرقی فرانسه و شمال غربی ایتالیا، که در آن زمان به صورت محلی به عنوان منطقه‌ای به نام اوکسیتانیا شناخته می‌شد، درهای فهم کتاب مقدس یا مردم را گشود.

شایان ذکر است که پرچم اوکسیتانیا با صلیب طلایی فرانسوی که در مرکز یک زمینه قرمز قرار دارد، هنوز هم توسط بسیاری از نوادگانی که به ریشه‌های والدنسیایی و منطقه‌ای خود افتخار می‌کنند، به نمایش گذاشته می‌شود. والدو تفسیر تحت‌اللفظی آموزه‌های عیسی را اعلام کرد، آموزه‌هایی که قرار بود توسط واعظان والدنسیایی در زندگی فقر و بندگی فروتنانه الگوبرداری شوند. در مقابل، روحانیون ثروتمند کلیسای کاتولیک روم به هیچ وجه حاضر به پذیرفتن نذر فقر یا موعظه به زبان مردم نبودند.

برخلاف تفسیر تحت‌اللفظی تعالیم عیسی توسط والدوسیایان به زبان عامیانه، اسقف‌ها معمولاً خطبه‌های تمثیلی را به زبان لاتین ایراد می‌کردند. آنها نه خود را ملزم به الگوبرداری از تعالیم عیسی می‌دانستند و نه آن تعالیم را به عوام ترویج می‌دادند. در مقابل، پیروان والدو بر پذیرش تعالیم عیسی در زندگی هر شاگرد به عنوان تأکید اصلی موعظه‌های خود تأکید داشتند و تعالیم عیسی را احکام خداوند می‌نامیدند.

آنها همچنین معتقد بودند که کلام اعلام شده باید توسط واعظ اجرا شود و پیروانشان باید از طریق زندگی فروتنانه و فقیرانه، احکام عیسی را سرمشق خود قرار دهند. این امر تضاد بسیار آشکاری بین فقرای لیون و سبک زندگی مجلل بسیاری از اسقف‌های کاتولیک رومی که از ثروتمندترین افراد زمان خود بودند، ایجاد می‌کرد. اسقف‌ها، به همراه بسیاری از کشیشان، اغلب در رفتارهای مستی و شهوترانی که شایسته یک رهبر مذهبی نبود، افراط می‌کردند.

در نتیجه، نه پیام اسقف‌ها و نه سبک زندگی نمایشی آنها در قلب مردم ریشه دواند. والدو تأکید کرد که خود موعظه، دعوتی مقدس است که از جانب خدا آمده است. او معتقد بود که شخصی که برای موعظه فراخوانده می‌شود، باید صرفاً برای همین وظیفه تعیین شده باشد.

این حس متمرکز از دعوت، سابقه خود را در بشارت رهبانی کلیسای روم داشت. با این حال، فقرای لیون اولین کسانی بودند که موعظه خود را نه خطاب به راهبان دیگر یا مقامات کلیسا، بلکه خطاب به عموم مردم انجام دادند. تا زمان تکفیر توسط پاپ در سال ۱۱۸۲، یاران والدو نه تنها به رغم فقدان موعظه رسمی، بلکه دقیقاً به دلیل فقدان آن، احساس کرده بودند که به موعظه فراخوانده شده‌اند.

در نتیجه، این تکفیر تنها پیروان والدو را جسورتر کرد تا به ندای خود پایبند باشند. وقتی والدو توسط دستگاه پاپی محاکمه شد، خود او با نقل قول از اعمال رسولان ۵، آیات ۲۷ تا ۳۰، به محکومیت رسمی کلیسا از موعظه فقرای لیون پاسخ داد تا اطاعت آنها از خدا را توجیه کند. در این بیانیه آمده است که ما باید از خدا اطاعت کنیم نه از هر مرجع انسانی.

اما استناد به آن پاسخ کتاب مقدس، شکاف بیشتری بین کلیسای روم و پیروان والدو ایجاد کرد. استناد به کتاب مقدس به عنوان دفاعی در برابر تصمیم پاپ برای تکفیر فقرای لیون، ظاهراً منجر به ابطال کامل اقتدار

پاپ به عنوان جانشین مسیح شد، که طبق نظر کلیسای کاتولیک روم، تنها سخنگوی واقعی مسیح بود. مهم است که اذعان کنیم والدو سعی در غصب اقتدار پاپ نداشت.

در تمام این مدت، هدف اصلی او پیروی صادقانه از دعوتش و جستجوی نقشی مهم‌تر برای عوام در حیات کلیسا بود. فقرای لیون در نتیجه تکفیرشان در سال ۱۱۸۴ از لیون فرانسه تبعید شدند. در نتیجه، آنها شروع به سفر به صورت دو نفره در سراسر اروپا کردند و در طول ۳۰ سال بعد در سراسر منطقه وسیع از جنوب فرانسه تا اتریش و بخش‌هایی از آلمان موعظه کردند.

تکفیر به این معنی بود که والدوسی‌ها از عبادت و مشارکت در جامعه ایمانی منع می‌شدند تا زمانی که علناً از اشتباه راه خود توبه می‌کردند. اما اختلافات بین کلیسای روم و والدوسی‌ها همچنان رو به افزایش بود. در سال ۱۲۱۵ در شورای چهارم لاتران، کلیسا به رهبری پاپ اینوسنت سوم، همه والدوسی‌ها را به عنوان ۱۲۱۵ بدعت‌گذار محکوم کرد.

این امر رسماً پیروان والدو را به دشمنان کلیسا تبدیل کرد. از نظر سلسله مراتب کاتولیک رومی، باورهای بدعت‌آمیز آنها باید ریشه‌کن و کاملاً از بین می‌رفت و آنها باید از بدعت خود دست برمی‌داشتند یا با آزار و اذیت و مرگ روبرو می‌شدند. از سال ۱۲۱۵ تا ۱۲۳۰، اسقف‌های کاتولیک و راهبان فرقه سیستریسیان صومعه‌های کاتولیک ابتدا موظف به رسیدگی به مسائل مربوط به فقرای لیون شدند.

با این حال، پس از دو دهه، اسقف‌ها و راهبان سیسترسی ثابت کردند که نسبت به بدعت‌گذاران نرم‌خو هستند. در نتیجه، در سال ۱۲۳۱، در پاسخ به تهدید والدنسیان‌ها، کلیسای کاتولیک روم کشیشی به نام که به آن فرقه، *Ordo Predicatorum*، دومینیک را به عنوان رهبر یک فرقه تازه تأسیس دومینیکنی موعظه‌گر نیز گفته می‌شد، منصوب کرد. دومینیکنی‌ها ابتدا توسط سلسله مراتب کاتولیک روم اختیار یافتند تا با بدعت‌گذاران والدنسیان در مناظره عمومی یا موعظه شرکت کنند.

این تلاشی بود برای بازگرداندن بدعت‌گذاران به جمع، با حمایت علنی از منطق و استدلالی که راهنمای الهیات کلیسای کاتولیک روم بود. با این حال، این استراتژی، هنگامی که علیه فقرای لیون هدایت شد، کاملاً بی‌اثر از آب درآمد. عموم مردم تشخیص دادند که دومینیکنی‌ها بدون دلسوزی، پیام کتاب مقدس را منتقل می‌کنند.

عموم مردم آنها را به عنوان پیام‌آوران مذهبی سرسخت و بدون هیچ گونه ابراز عشقی می‌دیدند. افراد عادی تضادی را که در والدوسیان دیده می‌شد، تشخیص می‌دادند. مردم عادی آنها را به عنوان افرادی راست‌کیش در ایمان و اعتقاد می‌شناختند، در عین حال که در قلب‌هایشان از ویژگی‌های نیکی و عشق اساسی انسانی برخوردار بودند و آن را به راستی تجلی مسیح می‌دانستند. مردم عادی همچنین تشخیص می‌دادند که پیام کشیشان والدوسیان که دلسوزی را منتقل می‌کردند، به وضوح بیشتری در زندگی آنها ادغام شده و از طریق فروتنی و شفقتی که کلیسای روم، با اسقف‌های ثروتمند و پرهیزگار و دومینیکنی‌های تنبیه‌گر خود، به جامعه ارائه داده بود، بیان می‌شد.

با شکست رویکرد بحث و گفتگو با والدوسی‌ها برای بازگرداندن آنها به عضویت کلیسای کاتولیک، پاپ به دومینیکنی‌ها دستور داد تا آزار و اذیت بدعت‌گذاران والدوسی را انجام دهند. کلیسا در سال ۱۱۹۹ مالکیت تمام اموال والدوسی‌ها را به کلیسای کاتولیک واگذار کرده بود و اغلب کسانی را که بدعت‌گذار شناخته می‌شدند به اعدام محکوم می‌کرد. تا دهه ۱۲۵۰، نقش اصلی دومینیکنی‌ها پیگرد قانونی و نابودی همه بدعت‌گذاران بود و آنها توسط روم برای انجام تفتیش عقاید بی‌رحمانه سازماندهی شده بودند.

دستگاه پاپی به همه بازجویان، دستورالعمل‌های گسترده‌ای از عملیات ارائه داد که انواع بدعت‌گذاران را استاندارد و طبقه‌بندی می‌کرد. این هماهنگ‌ترین و گسترده‌ترین تلاشی بود که تا آن زمان برای رهایی جامعه از دشمنان شناخته‌شده کلیسا انجام شده بود. بدین ترتیب آزار و اذیت غم‌انگیز و شرم‌آور مؤمنان والدوسی آغاز شد که در طول ۶۰۰ سال آینده به درجات مختلف ادامه یافت.

با این حال، اگر ظهور والدوسی‌ها و تلاش‌های آنها برای انتقال مؤثر آموزه‌های مسیح نبود، کلیسای کاتولیک روم احتمالاً در قرون وسطی مجبور به تغییر نحوه موعظه خود نمی‌شد. ادغام آموزه‌های فقرای لیون همراه با اعمال مسیح‌گونه آنها، کاتولیک‌های روم را مجبور به پذیرش تغییرات اساسی در نحوه عملکرد خود در کلیسا Order کرد. توجه تازه افزایش یافته به موعظه به زبان مردم توسط کاتولیک‌ها منجر به تأسیس در سال ۱۲۱۵ شد که نه تنها به دومینیکن‌ها، بلکه به فرانسیسکن‌ها و فرقه بندیکتین نیز *Predicatorium* اجازه موعظه به زبان مردم را می‌داد.

این واکنش، معیار جدیدی را برای کل کلیسای کاتولیک رومی در رابطه‌اش با عوام ایجاد کرد و بدین ترتیب کلیسای کاتولیک رومی را متحول ساخت. امروزه، ما فرصت شنیدن و درک کلام خدا را که به زبان خودمان موعظه می‌شود، بدیهی می‌دانیم، اما مدیون والدوسی‌ها و پیام روشن و شهادت وفاداران آنها به انجیل عیسی مسیح هستیم. پیروان والدو، دعوت به اعلام ایمان را به عنوان بخشی از شاگردی هر پیرو، در خود جای دادند.

به نام پدر و پسر و روح القدس. آمین.

این دکتر کوین فردریک است در تدریسش در مورد تاریخ والدنسیان. این جلسه ۳، یک شاهد دگرگون‌کننده نقش موعظه است.